

هستی‌شناسی امنیتی - توسعه محور گرایش نوردیک در سیاست خارجی سوئد

آرش بیداله خانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

۵۱



چکیده

منطقه نوردیک از منظر جغرافیای امنیتی، محیط اسکاندیناوی و منطقه شمال اروپا را شامل می‌شود. در چشم‌انداز سیاسی و توسعه‌ای، اتحادیه نوردیک شامل کشورهای شمالی اروپا از جمله سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند و ایسلند است. ادارات نوردیکی بودن (شمالی بودن) مفاهیم و ساخت‌بندی‌های امنیتی - توسعه‌ای را بر ساختار سیاست‌گذاری داخلی و خارجی کشورهای داخل این منطقه بار می‌کند. پژوهش حاضر با تأکید بر شناسایی و ادراک این منطقه، نقش آن را در سیاست خارجی سوئد بررسی می‌کند. فرض اساسی پژوهش حاضر این است که ادراک محیطی و امنیتی نوردیک - شمالی بودن توسط نخبگان سوئدی، ویژگی‌ها و روندهای خاصی را در سیاست خارجی سوئد به وجود آورده است که جهت‌گیری و رویه‌های سیاست خارجی این کشور را در دوران جدید تغییر داده است و با توجه به نقش رهبری سوئد در این منطقه این کشور سعی کرده است این ویژگی‌ها را به دولت‌های دیگر این منطقه نیز تسری دهد و این تسری باعث شکل‌گیری محیط امنیتی جدیدی بر مبنای گرایش نوردیک‌گرایی در سیاست خارجی سوئد و کشورهای منطقه نوردیک شده است. تأکید گسترده بر بی‌طرفی منطقه نوردیک، بین‌المللی بودن، توسعه و همکاری منطقه‌ای به جای همکاری صرف با اتحادیه اروپا، ساخت‌بندی امنیتی - نظامی مسالمت‌جویانه در ظرف محیط اروپا و محور بودن توسعه همگانی از جمله روندهایی است که سیاست خارجی نوردیک محور سوئد را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: نوردیک، سوئد، سیاست خارجی، امنیت، توسعه.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

* نویسنده مسئول: Beidollahkhani@um.ac.ir

مقدمه

نوردیکی بودن (در منطقه شمالی اروپا بودن)، نقش خاصی را در حوزه سیاست خارجی و امنیتی بر عهده سوئد گذاشته است. سیاست خارجی سوئد سه مرحله متفاوت را تا به امروز پشت سر گذاشته است و بر همین اساس این نقش را می‌توان در سه مرحله متفاوت در سیاست خارجی سوئد مشاهده کرد. مرحله اول ظهور رهبران فراملی گرا (انترناسیونالیستی) در دوره جنگ سرد در سیاست خارجی سوئد بود. مرحله دوم هم‌زمان با تشکیل ناتو و قدرت‌گیری اتحادیه اروپا، جهت‌گیری اروپایی سیاست خارجی سوئد بر مبنای شرکا و همسایگان اروپایی بود و در نهایت مرحله سوم که امروز شاهد آن هستیم، ظهور منطقه نوردیک و جهت‌گیری به سمت طراحی محیط امنیتی - توسعه ای جدید و توازن‌گرایی نوردیک است. بر خلاف دوران جنگ سرد و بعد از آن، امروزه سیاست خارجی سوئد تأکید بیشتری بر منطقه‌گرایی مبتنی بر نوردیک - اسکاندیناوی دارد. درک و آگاهی از نوردیک بودن، رویه‌های امنیتی خاصی را در بین کشورهای این منطقه افزایش داده است و بر همین مبنای نوردیکی بودن باعث ساخت بندی محیط امنیتی - سیاسی خاصی شده است که سیاست خارجی سوئد را سازه‌بندی می‌کند.

ادراک نقش نوردیکی بودن در زمان‌های مختلف، نقش متفاوتی را از لحاظ میزان محتوا، در سیاست خارجی سوئد بازی کرده است. در دوران نخست وزیری اولف پالم (دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰) نقش فراملی سوئد بسیار گسترده‌تر از امروز بود و جهت‌گیری سیاست خارجی سوئد، رویه‌های فراملی گسترده ای را دارا بود. در آن زمان سوئد به دلیل ارتقاء منزلت ملی و رهایی از وابستگی استعماری به قدرت‌های بزرگ، به‌طور احتیاطی به دنبال نقش گسترده تری در نقاط دور دست از جمله آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین، و منطقه صحرای آفریقا بود. این فعالیت بخشی از جهت‌گیری بود که بارها توسط اندیشمندان مختلف به‌عنوان استثناگرایی در سیاست خارجی سوئد توصیف شده است. پس از پایان جنگ سرد، سیاست خارجی سوئد روند سریع اروپایی شدن را طی کرد و بر همین اساس تمرکز جغرافیایی و ایدئولوژیکی به سمت اروپا تغییر یافت و ایدئولوژی سیاست خارجی اروپا محور جای‌گزین فراملی‌گرایی و بی‌طرفی در سیاست خارجی سوئد شد. در حالی‌که این دوره‌های مختلف در بررسی سیاست

خارجی سوئد، در طول قرن بیستم به روایت‌های استانداردی تبدیل شده است، موضوع دیگری که کمتر به آن توجه شده است، موج بازگشت به نوردیک‌گرایی یا شمالی بودن در سیاست خارجی این کشور است. هدف اساسی پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل گرایش‌های نوردیک و ادراکات خاص این منطقه در سیاست خارجی سوئد است. پرسش اساسی این پژوهش این است که گرایش نوردیک و نوردیک‌گرایی (شمالی بودن جغرافیایی و در منطقه شمال واقع شدن) چه تأثیری بر سیاست خارجی سوئد داشته است؟ این پژوهش با تمرکز بر سه دوره زمانی جنگ سرد، دهه ۹۰ و دوران امروزیه‌ویژه بعد از سال‌های ۲۰۰۵، سیاست خارجی سوئد و گرایش نوردیک در آن را بررسی می‌کند و بر این فرض اذعان می‌کند که گرایش نوردیک در سیاست خارجی سوئد باعث جهت‌گیری منطقه‌ای خاصی بر مبنای محیط امنیتی منطقه‌ای نوردیک شده و این مسئله متعاقباً ویژگی‌های خاصی را بر سیاست خارجی سوئد بار کرده است که این ویژگی‌ها را می‌توان در همکاری سوئد با کشورهای این منطقه مشاهده کرد. تأکید گسترده بر بی‌طرفی منطقه نوردیک، بین‌المللی بودن، توسعه و همکاری منطقه‌ای به جای همکاری صرف با اتحادیه اروپا، ساخت بندی امنیتی - نظامی مسالمت جویانه در ظرف محیط اروپا و محور بودن توسعه همگانی از جمله روندهایی است که سیاست خارجی نوردیک محور سوئد را نشان می‌دهد.

۱. ساخت بندی چارچوب مفهومی پژوهش: نوردیک و محیط امنیتی تعاملی بر مبنای توسعه منطقه‌ای

محیط امنیتی فضایی است که در آن بازیگران می‌توانند نیازهای امنیتی خود را با استفاده از قابلیت‌های موجود در محیط دسته‌بندی و امکان پیگیری آن‌ها را تا رسیدن به هدف فراهم نمایند (عصاریان نژاد و نادی، ۱۳۸۹: ۱۹۳) به عبارت دیگر محیط امنیتی عبارت است از فضای مشخصی از عناصر و اجزای حیاتی و امنیت‌ساز که موجب دفع تهدید و تسهیل در تحقق منافع امنیت ملی حاکم بر آن محیط شود. باری بوزان به جای محیط امنیتی از واژه مجموعه امنیتی استفاده می‌نماید که به نحوه تعامل امنیتی مشابه کشورها در یک محیط جغرافیایی، نحوه توزیع قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی اشاره

می‌کند. (فینی‌زاده بیدگلی، ۱۳۹۶: ۹۰) از دیدگاه تانگ، محیط متأثر از سه دسته عوامل است. ۱- محیط فیزیکی، منابع بشری و فناوری، ۲- شکاف‌های اجتماعی و ایستارهای مشترک و ۳- نهادهای سیاسی و اقتصادی (تانگ، ۱۳۸۴: ۱۷۹) محیط امنیتی هر جامعه تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فرم‌اسیونهای اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و ارزش‌ها، مشارکت مردمی) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم و یا بی‌نظمی جهانی - منطقه‌ای، فناوری، مسابقه تسلیحاتی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی است (حسن‌پور و شاه محمدی، ۱۳۹۵: ۷۷) در نظام بین‌المللی امروز محیط‌های منطقه‌ای و امنیت منطقه‌ای بر مبنای نگرش‌های نظری روابط بین‌الملل در حوزه واقع‌گرایی، امنیت سخت افزاری و نظام‌های محیطی امنیت تعاملی دسته‌بندی می‌شوند. پژوهش حاضر از مدل محیط امنیت تعاملی استفاده می‌کند. در هستی‌شناسی محیط امنیتی تعاملی، منطقه یا نظام بین‌المللی فرعی به منزله حلقه واسطه‌ای میان دولت‌های حاکم ملی و نظام بین‌المللی اصلی عمل می‌کنند. (کرمی، ۱۳۸۰: ۸) بر همین اساس سطح امنیت و ارتباطات نرم افزاری و سخت افزاری محیط‌های امنیت منطقه بر مبنای عوامل و متغیرهای الگویی زیر طراحی می‌شود.

الف- ماهیت و سطح انسجام و یا همبستگی در منطقه (همبستگی عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی)

ب- ماهیت ارتباطات (ارتباطات فردی، نخبگان و اجتماعی)

ج- سطح قدرت (عوامل مادی، نظامی و انگیزشی)

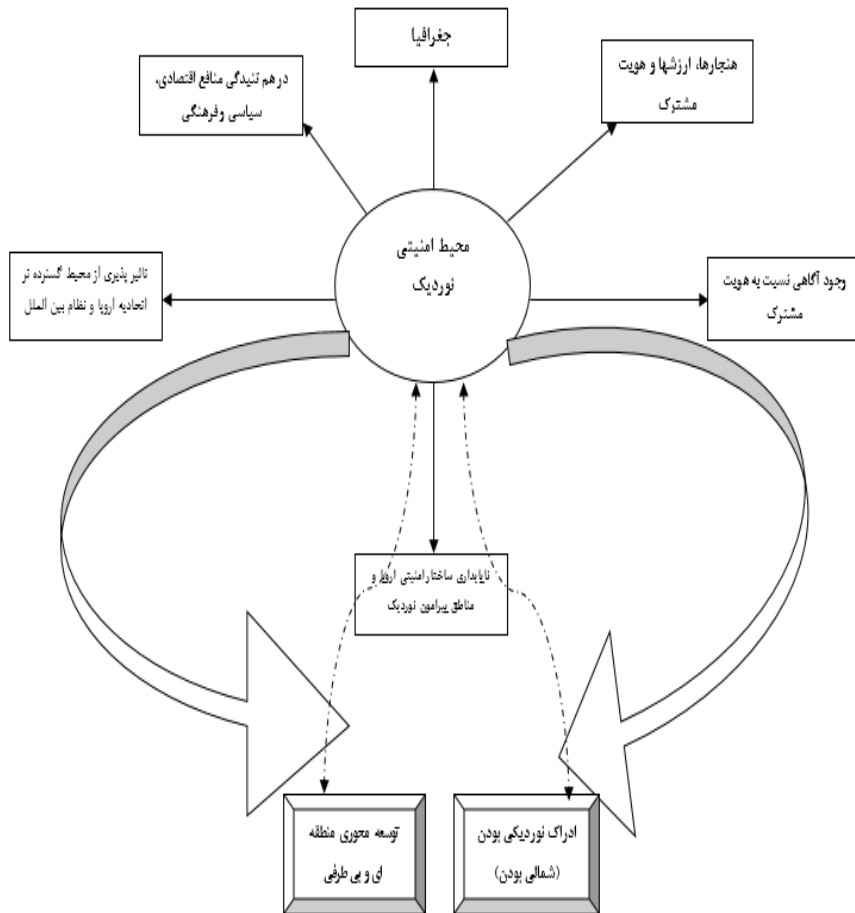
د- ساختار روابط (روابط دولت‌های عضو یک منطقه، طیف روابط، علل روابط و

ابزارهای آن)

بر مبنای عوامل بالا محیط‌های امنیتی می‌توانند به سمت طراحی یک بلوک و یا محیط امنیتی مختص به خود حرکت کنند. در وضعیت اتحاد تعاملی، کشورها می‌پذیرند که به شیوه‌های خاص و معمول از جمله با ابزارهای نظامی به یکدیگر کمک کنند. در وضعیت تعادل، مهم برابری قدرت دو طرف یا طرف‌های اتحاد نیست، بلکه همکاری مبتنی بر تعامل و اتحاد اصل است. نظام محیطی امنیت منطقه‌ای بر مبنای تعامل مداوم

میان توازن قدرت‌های خارجی در یک منطقه از یک سو و توازن میان کشورهای متحد و مرکزی از سوی دیگر پیش می‌رود. در یک مجموعه امنیتی تعاملی و همگرا، نگرانی‌های امنیتی دولت‌های بهم پیوسته را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. مجموعه‌های امنیتی تعاملی قبل از هر چیز با واقعیت‌های جغرافیایی منطبق‌اند و پدیده‌هایی محسوب می‌شوند که دارای ریشه‌های ژئوپلیتیکی و خاص هستند. مجموعه‌های امنیتی تعاملی بر وابستگی متقابل در رقابت‌ها و منافع دول منطقه نیز تأکید دارند. منطقه نوردیک نیز از جمله مناطقی است که با تفاهم بالا و ادراک همگرایی ارزشی، هویتی و هنجاری به تعریف تعاملی از منطقه‌گرایی نوین و شکل‌دهی به محیط امنیتی جدید دست یافته است. (Quille, 2006: 145)

کشورهای نوردیک بر مبنای درک بالا از عوامل و محورهای مشترک به‌ویژه متغیرهای الگویی بالا و همسازی آن‌ها، به سمت ایجاد و ساخت‌بندی یک محیط امنیتی تعاملی نوین پیش رفته‌اند. سوئد به‌عنوان سردمدار کشورهای این منطقه با اذعان به ایجاد، طراحی و ادراک مشترک از ویژگی‌های نوردیکی بودن، پایه‌گذار محیطی امنیتی جدیدی برای کشورهای این منطقه بوده است که ایده و عامل اساسی آن همکاری منطقه‌ای مشترک مبتنی بر بیشینه کردن امنیت نرم افزاری و تأکید گسترده بر پایه‌های توسعه همگانی است. (Tiilikainen, 1998: 52) بودن فیزیکی در منطقه جغرافیایی نوردیک به ساخت بندی هویت مشترکی به نام نوردیکی بودن (یا شمالی بودن) منجر شده است و این امر متعاقباً تعامل و همگرایی کشورهای این منطقه را با ایجاد یک هویت مشترک، گسترش داده است. شکل زیر عوامل بوجود آورنده محیط امنیتی منطقه نوردیک در سیاست خارجی کشورهای این منطقه از جمله سوئد نشان می‌دهد.



شکل ۱- مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری محیط امنیتی نوردیک در بین کشورهای منطقه نوردیک

همان‌گونه که در شکل بالا مشاهده می‌شود، عامل جغرافیا به‌عنوان اولین عامل در جهت‌گیری نوردیک محور سیاست خارجی کشورهای این منطقه از جمله سوئد نقش اساسی دارد. نوردیک در بعد جغرافیایی به کشورهای شمال اروپا و منطقه اسکاندیناوی گفته می‌شود. عامل بعدی هنجارهای و ارزش‌های مشترک کشورهای این منطقه است که هویت مشترکی را برای آن‌ها تعریف می‌کند. بر مبنای این هویت مشترک منافع اقتصادی و سیاسی این کشورها به هم گره می‌خورد. در کنار این چهار عامل واقع شدن در ساختار بزرگ‌تر اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی اتحادیه اروپا و ناپایداری محیط

امنیتی حائل این کشورها از جمله مرزهای اطراف حوزه جغرافیای نوردیک، تأثیر گسترده ای را بر شکل‌گیری ادراک نوردیکی بودن، ساخت هویت مشترک و متعاقباً ایجاد محیط امنیتی مشترک دارد. نظام بین‌المللی و گرایش‌های همگرایانه یا واگرایانه آن نیز در شکل‌دهی به محیط امنیتی نوردیک تأثیرگذار بوده‌اند.

بر مبنای این مدل، تمرکز اصلی ساخت‌بندی محیط امنیتی نوردیک در سیاست خارجی سوئد بیشینه کردن حداکثری امنیت در این منطقه بر محور توسعه منطقه‌ای و ادراک هویت مشترک نوردیکی بودن (شمالی بودن) است. این امر در یک ساختار دو طرف و متوازن باعث ساخت بندی محیط امنیتی جدیدی در منطقه نوردیک شده است. یعنی تمرکز بر توسعه همگانی و تأکید بر هویت مشترک نوردیکی (شمالی بودن) که باعث طراحی محیط امنیتی جدیدی شده و همکاری‌های امنیتی و نظامی این کشورها را بر مبنای منافع حداکثری در بیشینه کردن امنیتشان، گسترش داده و متعاقباً شکل‌گیری این محیط امنیتی جدید باعث تأکید بیشتر کشورهای این منطقه بر همگرایی بیشتر بر محور توسعه منطقه‌ای کشورهای این منطقه و بی‌طرفی آن‌ها و ادراک بیشتر هویت مشترک نوردیکی بودن شده است.

این گرایش‌ها سیاست خارجی کشورهای نوردیک، به‌ویژه سوئد را در طول دوران اخیر تغییر داده است. این پژوهش در سه دوره تاریخی حاکم شدن گرایش نوردیک و هویت نوردیکی را بر سیاست خارجی سوئد تجزیه و تحلیل می‌کند و سپس اذعان می‌کند که در طول یک دهه اخیر نوردیک‌گرایی (شمالی بودن) در سیاست خارجی سوئد و متعاقباً در سیاست خارجی کشورهای دیگر حوزه نوردیک باعث شکل‌گیری محیط امنیتی جدیدی در بین کشورهای این منطقه شده است. در واقع بر مبنای اهداف کلان حوزه سیاست خارجی سوئد، کشورهای نوردیک امروزه به الویت اول سیاست خارجی این کشور تبدیل شده‌اند و این امر باعث شکل‌گیری و ساخت محیط امنیتی جدید بین کشورهای این منطقه شده که توسعه محور بودن بر مبنای خلاقیت حداکثری و ادراک نوردیکی بودن (هویت مشترک) مبنای اصلی این گرایش است و باعث رشد و گسترش شهرت مثبت این منطقه در ادراک مخاطبان و ذینفعان کشورهای دیگر شده است. نقطه عزیمت چارچوب نظری این پژوهش استفاده از یک ساختار فرهنگی امنیتی

است که توسط کشورهای نوردیک شکل گرفته و باعث شکل گیری گرایش ویژه ای در سیاست خارجی این کشورها به خصوص سوئد شده است. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و همچنین تجزیه و تحلیل اعلامیه‌های سیاستگذاری خارجی سوئد^۱ به صورت محدود استفاده می‌کند. مدل و چارچوب پژوهش دارای دو محور است که میزان غلظت فرهنگی و نهادی محیط امنیتی و سیاست خارجی را بررسی می‌کند. غلظت بالا دلالت بر درک و انتظارات مشترک درباره نحوه عملکرد دولت سوئد و چگونگی تعاملات کشورهای نوردیک و ادراک آن‌ها در رابطه با موقعیت جغرافیایی نوردیک و محیط امنیتی است که در آن قرار گرفته‌اند. غلظت کم، به معنی این است که بازیگران مختلف محیط امنیتی را بر مبنای ادراک ماتریالیستی درک می‌کنند. محور دوم بر رابطه بازیگران با محیط تأکید می‌کند. این محور بر ویژگی ذاتی بازیگران منطقه‌ای و خواص درون زای ساخت محیط امنیتی جدید تأکید می‌کند. (Brommesson, 2018:392) بر مبنای تجزیه و تحلیل در سه دوره تاریخی، این پژوهش نشان می‌دهد که در سه دوره مختلف گرایش‌های نوردیک در سیاست خارجی سوئد چگونه کاهش یا افزایش یافته و این سطح غلظت باعث شکل گیری چه نوع از جهت گیری در سیاست خارجی سوئد شده است. بر همین مبنای، این پژوهش سیاست خارجی سوئد را در سه دوره زمانی جنگ سرد، دهه نود و سال‌های اخیر (از ۲۰۰۵ به بعد) بررسی می‌کند تا تأثیر گرایش‌های نوردیک و نوردیکی بودن را در سیاست خارجی سوئد نشان دهد.

۲. اصطلاح نوردیک، از جغرافیا تا تشریک مساعی نهادی - امنیتی

نوردیک یک منطقه جغرافیایی و فرهنگی در اروپای شمالی و منطقه آتلانتیک شمالی است که اکثر ساکنان آن با نام شمالی یا نوردن شناخته می‌شوند. از لحاظ جغرافیایی این منطقه شامل دانمارک، فنلاند، سوئد، ایسلند، نروژ، سرزمین مستقل و خودمختار گرینلند و جزایر فارو^۲ (بخشی از پادشاهی دانمارک) و همچنین جزایر خودمختار آلاند^۳

۱. اعلامیه‌ها و بیانیه‌های سیاست خارجی سوئد هر ساله در ماه فوریه یا مارچ در پارلمان سوئد ارائه و ارزیابی می‌شوند و این اعلامیه‌ها جهت گیری اصلی سیاست خارجی سوئد را مشخص می‌کنند. ارزیابی این اعلامیه‌ها می‌تواند به ما نشان دهد که سیاست خارجی سوئد چگونه جهت گیری شده است.

2. Norden

3. Faroe Islands

(متعلق به فنلاند) و همچنین مجمع الجزایر سوالبارد^۱ متعلق به نروژ می‌باشند. (Gotz, 2003: 324) گروه‌های قومی اسکاندیناوی بیش از سه چهارم جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند و بعد از آن‌ها فنلاندی‌ها قرار می‌گیرند. بقیه جمعیت این منطقه از اقوام مختلف از جمله اقوام گرینلندی اینویت^۲، مردم سامی و مهاجران خارجی و فرزندان نسل دوم و سوم آن‌ها تشکیل شده است. زبانهای بومی منطقه از جمله زبانهای سوئدی، دانمارکی، نروژی، ایسلندی و فاروئی، همه جزء خانواده زبانهای هند و اروپایی شاخه ژرمنیک شمالی^۳ هستند و برخی از آن‌ها از جمله زبان ایسلندی ریشه‌های قدیمی چند هزار ساله ای دارند که متعلق به اوایل دوران زیست بشر است. به جز زبان‌های بومی، زبان‌هایی که جز خانواده زبان‌های ژرمنیک شمالی محسوب نمی‌شوند عبارت است از: زبان بومی فنلاندی، زبان بومی‌های گرینلند و چندین زبان سامی دیگر. (Tagil, 1995: 12-15) مردم اسکاندیناوی از گذشته گرایش‌های مذهبی کمتری نسبت به بقیه مناطق دنیا داشته‌اند، هر چند امروز گرایش مذهبی غالب در این کشورها، مسیحیت پروتستانی شاخه لوتریسم است. بر مبنای مطالعات آکادمیکی و جغرافیایی در زمینه مطالعات اسکاندیناوی و نوردیک دو تعریف محدود و گسترده مد نظر است. در حوزه محدود، مطالعات اسکاندیناوی به محدوده کشورهای بزرگی اطلاق می‌شود که در منطقه خلیج اسکاندیناوی واقع شده‌اند. این کشورها عبارت‌اند از سوئد، دانمارک و نروژ. اما در ابعاد بزرگ‌تر جغرافیایی و بنا به دلایل فرهنگی و سیاسی، منطقه نوردیک بر مبنای شمالی بودن جغرافیایی ارزیابی می‌شود. (Hilson, 2008: 34) بر همین مبنای امروزه نوردیک و نوردن، به کشورها و مناطق حوزه شمال اروپا اطلاق می‌شود که علاوه بر منطقه اسکاندیناوی، کشورهای ایسلند، فنلاند و مناطق خودمختار جزائر فارو، آل‌اند و گرینلند را نیز شامل می‌شود. با ورود به دنیای مدرن و در دوران معاصر، کشورهای منطقه شمال اروپا علاوه بر نزدیکی جغرافیایی، برای نزدیکی سازمانی و امنیتی نیز تلاش می‌کردند. بر همین اساس بعد از جنگ جهانی دوم و با شکل‌گیری اتحادیه اروپا، این کشورها با توجه به رشد اقتصادی و دلایل سیاسی، تاریخی، امنیتی و فرهنگی ترجیح

1. Åland Islands
2. Svalbard
3. Greenlandic Inuit
4. North Germanic language

دادند به اتحادیه اروپا نپیوندند و به همین دلیل دست به تأسیس سازمانی جداگانه زدند. این سازمان که از مدت‌ها قبل و در سال‌های اولیه بعد از جنگ جهانی دوم و بر اساس ایده یک سازمان دفاعی مشترک اسکاندیناوی بین این کشورها در برابر کشورهای مثل اتحاد جماهیر شوروی و آلمان تشکیل شده بود (۱۹۵۲) ابتدا به‌عنوان شورای بین پارلمانی در کشورهای نوردیک عمل می‌کرد و حوزه تصمیم‌گیری آن نیز بیشتر نظامی و امنیتی بود. بعد از اتمام جنگ و مقدمات تشکیل اتحادیه اروپا، علاوه بر مسائل نظامی و امنیتی ساختار شورا تا حدودی تغییر کرد و جهت‌گیری آن به سمت یک اتحادیه بین پارلمانی در بین کشورهای نوردیک حرکت کرد. (بیدالله خانی و کهرازه، ۱۳۹۷: ۸۰)

امروزه این اتحادیه متشکل از هشتاد و هفت عضو پارلمانی از کشورهای شمال اروپا و منطقه نوردیک متشکل از سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند و بعدها ایسلند، گرینلند و جزایر فارو و آلاند هست. پایه و ساخت اولیه منطقه نوردیک فرهنگ و هویت مشترک بوده است. امروزه با تشکیل دولت - ملت‌های جدید در این منطقه این هویت مشترک خود را به صورت عامل نهادی در شورای همکاری نوردیک نشان می‌دهد. نهادگرایی نوردیکی بر مبنای هویت مشترک منطقه‌ای از جمله ابعاد اساسی منطقه نوردیک است که باعث ایجاد تصویر و شهرت مثبت این منطقه در دنیای امروز شده است.

امروزه بسیاری از کشورهای دنیا پیرو مدل و سبک زندگی، سیاست‌گذاری، حکمرانی، اقتصاد، فرهنگ و... کشورهای نوردیک هستند. اکثر کشورهای این منطقه از لحاظ شاخص‌های توسعه‌ای بین‌المللی و جهانی از جمله در زمینه مسائل فرهنگی، اقتصادی، خلاقیت، کار آفرینی، بهداشت، امنیت، سیاست خارجی، صلح و... در بین کشورهای مطرح و صاحب سبک دنیا هستند و در اکثر رتبه‌بندی‌ها معمولاً در رده بالای شاخص بندی‌های بین‌المللی قرار دارند. (بیدالله خانی، ۱۳۹۶: ۷۶) در دوران مدرن همگرایی و همکاری این کشورها در حوزه‌های بین‌المللی مختلف از جمله در مسائل سیاست خارجی زبانزد اکثر محققان بوده است. سوئد از جمله بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشورهای این منطقه است که به طور غیر مستقیم در اکثر مواقع نقش رهبری را در این منطقه بازی می‌کند. ادراک شمالی بودن و شکل‌گیری هویت نوردیکی در سیاست داخلی و خارجی این کشورها، یک اشتراک مساعی فرهنگی، اقتصادی،

اجتماعی و متعاقباً سیاسی را بوجود آورده که نمود بارز آن را می‌توان در شکل‌گیری اتحادیه همکاری کشورهای نوردیک مشاهده کرد. بر همین مبنا جهت‌گیری سیاست خارجی هر کدام از این کشورها تا حدودی همگرا بوده است. واقع بودن این کشورها در اتحادیه اروپا و ساخت بندی هویت مشترک نوردیکی (شمالی بودن) رویه‌های خاصی را در سیاست خارجی این کشورها بوجود آورده است که باعث شکل‌گیری گرایش خاصی در سیاست خارجی این کشورها و متعاقباً ساخت بندی محیط امنیتی خاصی در بین کشورهای منطقه شده است. سوئد به‌عنوان سردمدار این کشورها، با طراحی الگوها و جهت‌گیری‌های خاصی سعی کرده نقش رهبری را در منطقه نوردیک به دست بگیرد و به بازسازی محیط امنیتی نوردیک بر مبنای ادراک نوردیکی بودن و هویت مشترک فرهنگی کشورهای نوردیک دست یازد. بر همین مبنا پژوهش حاضر با تجزیه و تحلیل ادراک نوردیک‌گرایی در سیاست خارجی سوئد، به بررسی جهت‌گیری‌ها و نتایج سیاست خارجی سوئد بر مبنای ادراک هویت مشترک نوردیکی می‌پردازد. تاکید اساسی پژوهش، شکل‌گیری محیط امنیتی نوردیک در بین کشورهای نوردیک بر مبنای هویت و هنجارهای مشترک و تقویت همکاری‌های نظامی دفاعی کشورهای نوردیک در این منطقه و در ظرف اتحادیه اروپا است. بر همین اساس سوئد توانسته است از طریق سیاست خارجی عقلانی خود، بین شکل‌گیری محیط امنیتی نوردیک و نوردیک‌گرایی و سیاست‌های اتحادیه اروپا، یک توازن منطقی ایجاد کند. برای نشان دادن تغییر جهت سیاست خارجی سوئد و افزایش و یا کاهش وزن ابعاد نوردیک‌گرایی، پژوهش حاضر در سه دوره زمانی مختلف به بررسی سیاست خارجی سوئد می‌پردازد. بر همین اساس ابتدا سیاست این کشور را در دوران جنگ سرد بررسی می‌کنیم. سپس سیاست خارجی سوئد را در دوران بعد از جنگ سرد و دهه ۹۰ به بحث می‌گذاریم و در نهایت سیاست خارجی سوئد و جهت‌گیری‌های نوردیکی آن را در دوران جدید به خصوص بعد از سال ۲۰۰۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۳. نوردیک گرایی (شمالی بودن) و سیاست خارجی سوئد

۳-۱. نوردیک در سیاست خارجی سوئد در دوران جنگ سرد و بعد از آن

سیاست خارجی سوئد در دوران جنگ سرد به سمت نقش فراملی جهت‌گیری شده بود. سوئد در اکثر منابع بین‌المللی به‌عنوان کشوری استثنایی توصیف شده است. بر مبنای این استدلال سوئد بخشی از نوردیک با ویژگی‌های خاص است و اروپایی بودن از استثنائات سوئد است. پیتر لاولر مفهوم استثنایگرایی را نقطه عزیمت سیاست خارجی سوئد می‌داند و آن را با ایده خانه مردم (فولکمت) مقایسه می‌کند. بر مبنای این ایده جامعه باید به مثابه یک خانه خوب برای مردمش باشد جایی که همه از یکدیگر مراقبت می‌کنند و به یکدیگر اهمیت می‌دهند. (Lawler, 1997: 568) بر همین اساس برجستگی نسبی این ایده، ارزش همبستگی در گفتمان سیاسی سوئدی‌ها است که نتیجه آن ایجاد سیستم رفاهی سوسیال دموکراسی اجتماعی در سوئد بوده است. تاکید بر همبستگی و نقش فراملی سوئد در دوران جنگ سرد، استثنا گرایی سیاست خارجی این کشور را پر رنگ کرده است. سوئد مشهورترین کشوری است که به طور همزمان هم یک مدل توسعه منطقه ای است و هم توانسته بی طرف باشد و متعاقباً بر همین مبنای توانسته است منبع اصلی ابتکارهای بین‌المللی برای صلح فراملی باشد و تمام این ویژگی‌ها نقش فراملی این کشور در دوره جنگ سرد را افزایش داده بود. سوئد به‌عنوان مدل اجتماعی توسعه‌یافته در منطقه اسکاندیناوی، اروپا و دنیا و همچنین مشهورترین مدل دولت بین‌المللی است. بر مبنای این نقش سوئد، استثنا گرایی این کشور در سیاست خارجی مبتنی بر نقش منتقد- سازنده افکار و میانجی و واسطه گر شناخته می‌شود. کشوری که به دنبال صلح، آزادی و رفاه است و این مؤلفه‌ها را در سیاست خارجی اش پیگیری

1. Peter Lawler

2. People's home

۳. فولکمت (Folkhemmet) یک مفهوم سیاسی است که نقش مهمی در تاریخ حزب سوسیال دموکرات اجتماعی و دولت رفاهی سوئد دارد. این مفهوم همچنین یک انتزاع ادبی برگرفته از ادبیات سوئد است که به رفاه، همبستگی و برابری در فرهنگ این منطقه اشاره دارد. علاوه بر این در تاریخ سیاسی سوئد، برای توصیف دوران اولیه حاکمیت حزب سوسیال دموکرات و ساخت دولت رفاهی این کشور بین سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۷۶، از این مفهوم استفاده می‌شود. تاکید اساسی فولکمت رفاه، آزادی و برابری است که تمام این‌ها در معنای همبستگی و همکاری جمع شده است.

4. Den svenska modellen- Swedish model

می‌کند. حمایت قوی از کشورهای در حال توسعه از طریق کمک‌های خارجی سخاوتمندانه نیز پیگیری سیاست رفاه داخلی سوئد شناخته می‌شد. (Ekengren,2011) بر همین مبنا دریافت کمک از سوئد نه تنها خجالت و شرمندگی نداشت بلکه باعث افتخار کشورهای مختلف در حال توسعه بود.

بیشتر اندیشمندان حوزه اسکاندیناوی استدلال می‌کند که سوئد ایده کاهش نابرابری مادی میان فقرا و ثروتمندان در سطح داخلی را در سطح بین‌المللی و در میان کشورها دنبال می‌کند. هر چند در دوره جنگ سرد و به‌ویژه در دولت اولوف پالم، سوئد به طور مخفی با ایالات متحده همکاری دفاعی داشت و این بر آمده از نقش این کشور به‌عنوان دارنده یکی از قوی‌ترین نیروهای هوایی دنیا بود. (Edstrom,2011) همکاری سوئد با کشورهای نوردیک در دولت پالم مبتنی بر فرهنگ متراکم، هویت و هنجارهای مشترک بود. سوئد از دوران جنگ سرد نوعی نقش رهبری را در منطقه نوردیک ایفا می‌کند. در دوران جنگ سرد فراملی گرایبی تبدیل به بخشی از مؤلفه‌های اصلی نوردیک گرایبی در سیاست خارجی سوئد شد. از جمله ویژگی‌های سیاست فراملی گرایبی سطح بالای کمک‌های خارجی، پیگیری صلح، تلاش‌های میانجی‌گریانه و فعالیت گسترده حقوق بشری و تأکید بر توسعه در تمام ابعاد و جنبه‌های آن بود. (Aggestam and Hyde price,2015:481) فرهنگ مترقی منطقه نوردیک نیز تأثیر مهمی بر سیاست خارجی سوئد گذاشته است، به طوری که سوئد به‌عنوان رهبر این منطقه بیشتر از تمام این کشورها بر گسترش ابعاد فرهنگی سیاست خارجی نوردیک محور تأکید می‌کند. بر همین مبنا امروزه سوئد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دولت‌هایی شناخته می‌شود که نقشی فراملی و بین‌المللی دارد. علاوه بر این سوئد سعی کرده است که همسایگان خود را در شورای نوردیک به سمت ایفای نقش بیشتر فراملی و بین‌المللی شدن بیشتر سوق دهد.

۱. اولوف پالم (Olof Palme) در بین سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۶ و ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ نخست وزیر سوئد و رهبر حزب سوسیال دموکرات بود.

۲-۳. دهه ۹۰ و اروپایی کردن سوئد و قرار گرفتن نوردیک به عنوان الویت دوم بر عکس دوران جنگ سرد، تمرکز سیاست خارجی سوئد بر منطقه نوردیک و بین‌المللی‌گرایی هم‌زمان با روندهای اروپایی شدن و قدرت‌گیری اتحادیه اروپا، کاهش پیدا می‌کند. گسترش منطقه‌گرایی در اتحادیه اروپا، سیاست‌گذاران سوئدی را به سمت اروپایی شدن بیشتر پیش می‌برد و این امر از تمرکز استراتژیک سوئد به سمت منطقه نوردیک می‌کاهد. هم‌زمان با کاهش نقش مستقل سوئد در اوایل دهه ۹۰ و سال‌های بعد از آن، جهت‌گیری اروپایی سوئد هم‌نوا و همراه با دیگر کشورهای اروپایی گسترش پیدا می‌کند. برخی از محققان سوئدی از این فرایند به‌عنوان اروپایی شدن هنجاری نام می‌برند.

بر مبنای این فرایند، سوئد در اوایل دهه ۹۰ و سال‌های بعد از آن سعی کرده است تا تعهد خود به یک اروپای متحد و هنجارهای امنیتی، فرهنگی و اقتصادی آن افزایش دهد و بر همین مبنای این نقطه عزیمت سیاست خارجی سوئد در طی سال‌های دهه ۹۰ است. (Brommesson, 2018:395) همکاری اتحادیه اروپا و سوئد در اوایل دهه ۹۰ و ۲۰۰۰ که از آن به‌عنوان ماه عسل روابط اتحادیه اروپا و سوئد و متعاقباً دیگر کشورهای نوردیک نام برده می‌شود، باعث کاهش الویت و اهمیت همکاری کشورهای نوردیک در سیاست خارجی سوئد شد و موقعیت این منطقه در سیاست خارجی سوئد، به شدت تنزل یافت. (Ojanen, 2005)

بر همین مبنای مؤسسات اروپایی جدید در حوزه همکاری‌های دفاعی و امنیتی و طرح‌های بلند پروازانه نبردهای دفاعی و بخش‌های مشترک تصمیم‌سازی سیاسی و نظامی بین بروکسل و استکهلم گسترش یافت. با شتاب گرفتن همکاری با نهادهای جدید، نوردیک‌گرایی در سیاست خارجی سوئد به بخشی از تاریخ گذشته آن تبدیل شد. ابعاد سیاست نوردیک‌گرایی به جای تأکید بر مسائل سیاسی، با کاستن از ابعاد همکاری‌های سیاسی و امنیتی به ارتباطات فرهنگی محدود، برنامه‌های مشترک آموزش عالی و تبادل بین شهرداری‌های پنج کشور منطقه نوردیک تنزل پیدا کرد. بر همین اساس نوردیک دیگر منبع قابل توجهی برای ساخت بندی سیاست‌های بلند مدت سوئد در زمینه امور امنیتی و دفاعی نبود. از این زمان به بعد اروپا تبدیل به منبع اصلی

سیاستگذاری سوئد شده بود. امنیت سوئد با امنیت بروکسل پیوند خورده و ارزش‌های سیاست خارجی طراحی شده اروپایی در بروکسل کم کم به محافل نخبگان سوئدی راه پیدا کرده بودند و این ارزش‌ها به مرور تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست خارجی سوئد باقی گذاشتند. مارگارتا اوگلاس^۱ وزیر خارجه دولت راست میانه روی سوئد در بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴، تغییر جهت سیاست خارجی سوئد به سمت اتحادیه اروپا، را به عنوان دوری از مکانهای عجیب (منطقه نوردیک) و بافت بندی هویت اروپایی جدید سیاست خارجی سوئد توصیف می‌کند. (Af Ugglas, 1991) این تغییر جهت سیاست خارجی، متعاقباً توسط دولت‌های بعدی سوسیال دموکرات سوئد به خصوص بعد از سال ۱۹۹۴ تأیید می‌شدند. (Czarny, 2018: 167) در همین زمان سوئد و سایر کشورهای نوردیک سازمان‌های چندجانبه همکاری‌های مشترک خودشان را حفظ کرده بودند و به همکاری‌های مشترک در زمینه امور جهانی از جمله سیاست‌های سازمان ملل (به عنوان مثال پیشنهاد چند جانبه این کشورها برای عضویت غیر دائم در شورای امنیت سازمان ملل همانند دوران جنگ سرد) در رابطه با مسائل بین‌المللی ادامه می‌دادند. (Schouenborg, 2013)

این مسئله به معنی فعال ماندن حداقلی گرایش نوردیک گرایی در سیاست این کشورها در سطوح نهادی بود. بر همین اساس برخی از اندیشمندان ذکر کرده‌اند که منطقه نوردیک و کشورهای این منطقه هنوز در سیاست جهانی یک مورد خاص هستند. در حالی که منطقه نوردیک با توجه به جهت گیری‌های سوئد (به عنوان قدرت برتر این منطقه) به سمت اروپا، از لحاظ نظامی هنوز ضعیف بود، از لحاظ بین‌المللی هنوز به عنوان کارآفرینان و ابداع کنندگان برتر در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست‌های زیست محیطی، حل مناقشات و بحران‌های بین‌المللی و کمک‌های خارجی فعال و تأثیر گذار بودند. (Ingebritsen, 2002: 14) بر همین اساس سوئد در دهه ۹۰ و ۲۰۰۰ به عنوان یک قدرت متوسط بین‌المللی طرفدار حقوق بشر و صلح شناخته می‌شد. (Brysk, 2009: 43) سیاست سوئد در این دوره بیشتر بر مبنای پیروی از سازه‌های هویتی اتحادیه اروپا و مشارکت فعال در سیاستگذاری نهادهای مختلف آن است. هر چند هنوز

1. Margaretha af Ugglas

رگه‌هایی از جهت‌گیری نوردیک در بین نخبگان و نهادهای داخلی سوئد وجود دارد. همانطور که بعدها معلوم شد، همکاری‌های نوردیک همانند همکاری اروپا برای سیاست خارجی سوئد ارزشمند بود. برای کشورهایی مثل سوئد به عنوان قدرت متوسط، شکل دهی به جهت‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های متمایل به این کشور در اتحادیه اروپا در تقابل با کشورهای بزرگ‌تر و قدرتمندتر این منطقه سخت و پرهزینه بود. (Carlsnaes, 2005:404) بر همین مبنا اشکال مختلف همکاری‌های منطقه‌ای از جمله نوردیک‌گرایی، ابعاد مثبت زیادی برای این کشور از جمله افزایش حجم قدرت ملی آن در برابر کشورهای بزرگ و قدرتمند اتحادیه اروپا به همراه داشت. کشورهای دیگر منطقه نوردیک هر کدام پاسخ‌های متفاوتی به ساختارهای جدید اتحادیه اروپا دادند. از سطح کم همکاری اقتصادی تا سطوح بالای همکاری نظامی - امنیتی. محور اکثر این پاسخ‌ها همکاری با زیرمجموعه‌های مختلف کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپا به خصوص در ابعاد کلان نظامی - امنیتی بود. (Rieker, 2004:375) بر مبنای همین نیاز امنیتی، کشورهای بی‌طرفی مثل سوئد و فنلاند به این نتیجه رسیدند که بهترین راه پیشینه کردن امنیتشان، روی آوردن به همسایگان و گسترش نوردیک‌گرایی در سیاست‌گذاری کشورهایشان است. تاکید بر منطقه نوردیک و سپس بالتیک از جمله محورهای بود که این کشورها در سیاستگذاری‌های مختلف خود در سالهای بعد از دهه ۹۰، بر آن تاکید می‌کردند. بر همین مبنا نروژ نیز به عنوان یک کشور نوردیکی و با جهت‌گیری ضد اروپایی قوی به تشکیل یک نیروی دفاعی - امنیتی در شورای نوردیک در حوزه داخلی اتحادیه اروپا راضی بودند.

تقاضای بالای همکاری‌های دفاعی چند جانبه و تشکیل نیروهای نظامی مشترک بین کشورهای نوردیک و سوئد نیاز به تجهیزات مدرن نظامی را در بین کشورهای این منطقه افزایش داد. گسترش نیازهای تسلیحاتی از طرف این کشورها و همچنین بازار بزرگ تسلیحات نظامی در اتحادیه اروپا و برآورده کردن این نیازها، از جمله حوزه‌های دیگری بود که کشورهای نوردیک را به منظور بر آورده کردن آن به همکاری وا داشت.

(Von Sydow, 2018)

در یک وضعیت پارادکسیکال، تلاش گسترده برخی از کشورهای نوردیک از جمله سوئد برای ادغام حداکثری در اتحادیه اروپا در زمینه سیاست‌های امنیتی و باقی ماندن در مرکز تصمیم‌گیری آن، موجب ایجاد انگیزه‌های جدید برای همکاری‌های گسترده‌تر در منطقه نوردیک شد. (Hedling and brommesson,2017:239) این مسئله به‌ویژه در میان کشورهای بی‌طرفی مثل سوئد و فنلاند که مانند دیگر اعضای اتحادیه نوردیک به ناتو اعتماد کامل نداشتند، انگیزه زیادی را در رابطه با همکاری‌های نوردیک و گرایش نوردیک در سیاست خارجی اشان ایجاد کرد. (Moller and Bjereld,2015: 120) جهت‌گیری جدید تأثیر عمیقی بر سیاست‌گذاری امنیتی سوئد و فنلاند داشت و زمینه‌های جدیدی را بین کشورهای این منطقه برای همکاری ایجاد کرده بود. این زمینه‌های جدید به افزایش مؤلفه‌های نوردیک‌گرایی در سیاست خارجی این کشورها به خصوص فنلاند و سوئد بعد از سالهای ۲۰۰۲ انجامیده است (Brommesson,2018:397).

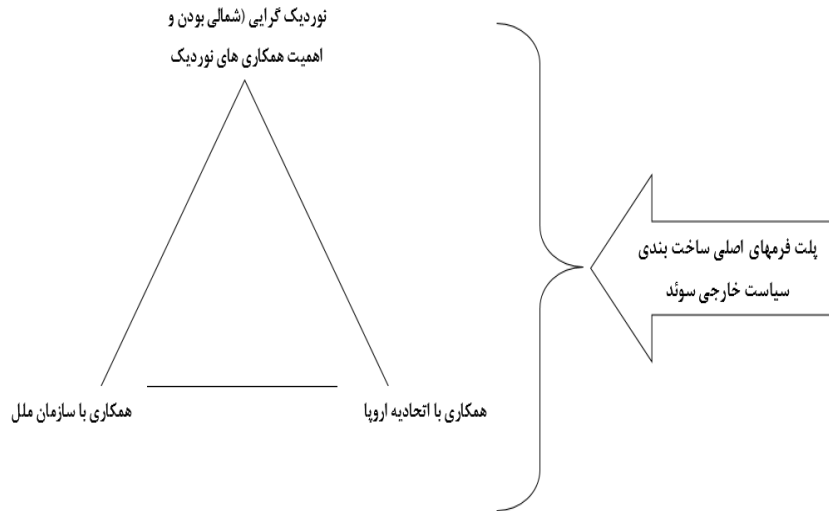
۳-۳. دوران جدید؛ نوردیک‌گرایی هوشمند و استراتژیک در سیاست خارجی سوئد و محیط امنیتی نوردیک

با ظهور یک فضای امنیتی پر تنش در سال‌های ۲۰۰۵ و بعد از آن به‌ویژه تهدید روسیه و سپس جنگ گرجستان در سال ۲۰۰۸، شاهد تلاش دوباره سوئد برای نزدیکی و توجه به همسایگان هستیم. علاوه بر این با توجه به عدم تحرک همگرایانه در اتحادیه اروپا به‌ویژه به دلیل بحران مالی و دشواری‌های اروپا در یافتن زمینه‌های مشترک برای همکاری با کشورهای نوردیک، سوئد به دنبال همکاری‌های جدید چند جانبه و متعاقباً همکاری‌های امنیتی در یک محیط جدید بود. بر همین اساس در این دوره، همکاری‌های چند جانبه میان کشورهای نوردیک شروع به شکوفایی می‌کند و شاهد بازگشت اهمیت منطقه نوردیک در سیاست خارجی سوئد هستیم. (Brommesson, 2015:539) در بیانیه سالانه سیاست خارجی سوئد در سال ۲۰۰۸، وزیر خارجه وقت سوئد کارل بیلد اعلام کرد که سوئد همکاری‌های نوردیک را با یک چشم انداز و گشایش جدید در نظر گرفته است و خواهان تشکیل ساخت امنیتی جدیدی برای این منطقه می‌باشد. استن

تولگفورس، وزیر دفاع وقت سوئد در سال ۲۰۰۸، در اظهاراتی بیان کرده بود که سوئد آماده دفاع همه جانبه از همسایگان خود در منطقه نوردیک است. بر همین اساس همکاری‌های میان کشورهای نوردیک به زمینه‌های جدیدی از جمله تسلیحات و آموزش نظامی توسعه یافت. (Strang, 2015: 32) همکاری‌های گسترده سوئد کشورهای نوردیک در سال ۲۰۰۹ به اوج خود رسید. در آن سال کشورهای نوردیک سازمان نوردفکو^۱ (همکاری‌های دفاعی نوردیک) را تشکیل دادند. هدف اصلی عملکرد این سازمان، گستراندن یک چتر دفاعی در حوزه‌های نظامی و طراحی سیاست‌های امنیتی مشترک در بین کشورهای نوردیک به منظور تقویت دفاع ملی در منطقه نوردیک برای گسترش همگرایی و تقویت راه‌حل‌های مؤثر و اشتراکی بود. (Swedish government, 2015) بر همین اساس از میان کشورهای نوردیک، سوئد در قالب دکترین همبستگی در سیاست خارجی خود، تأکید بیشتری بر ابعاد همکاری‌های مستحکم نوردیک داشت. در سال ۲۰۱۱ مقامات سوئد ضمن اعلام همبستگی خود با دیگر کشورهای نوردیک از جمله اعضای غیر عضو اتحادیه اروپا (نروژ و ایسلند) اعلام کردند که در صورت به وجود آمدن بحران جدی برای این کشورها، سوئد تضمین می‌دهد که از آن‌ها حمایت کامل کند. (Swedish government, 2011) این اعلامیه همبستگی سوئدی دنباله بیانیه عمومی نوردیک بود که در اوایل همان سال توسط دولت‌های نوردیک با هدف اعلام و پذیرش بند همبستگی کامل پذیرفته شده بود. ایده همبستگی برآمده از گزارش استولتنبرگ بود که توسط وزیر خارجه سابق نروژ ثوروالد استولتنبرگ^۲ به طور مستقل تهیه شده بود. این گزارش خواستار همکاری نزدیک‌تر کشورهای نوردیک در سیاست خارجی و امنیتی است و شامل بند همکاری‌های پیوسته نوردیک نیز می‌شود. (Stoltenberg, 2009) متعاقباً وزاری خارجه کشورهای نوردیک در آوریل ۲۰۱۱ در هلسینکی، توافق کردند که در صورت درخواست و اعلام نیاز یکی از اعضا بقیه متعهد می‌شوند که تمام ابزارهای لازم را در اختیار آن کشور قرار دهند. (Hamilton, Simonyi and Cagan, 2014: 121) در همین زمان سوئد بند همبستگی

1. Sten Tolgfors
2. NORDEFKO (Nordic Defence Cooperation)
3. Thorvald Stoltenberg

اتحادیه اروپا را از پیمان لیسبون به عنوان بند مکمل موافقتنامه نوردیک ارائه کرد. این انتخاب و بند مکمل بر آمده از چهره دوگانه سیاست خارجی سوئد در ارتباط با ادغام و همسویی در اروپا بود. سوئد با اضافه کردن این بند، ضمن متعادل کردن اشتیاق خود برای همکاری‌های نوردیک نوعی توازن و جانب احتیاط را در زمینه ایجاد نقش فعال یا منفعل برای ادغام در اتحادیه اروپا یا همکاری با کشورهای نوردیک در نظر گرفته است. در این زمینه به نظر می‌رسد نوردیک گرایی (شمالی بودن) در سیاست خارجی سوئد بیانگر ایفای یک نقش هوشمندانه و محتاطانه است که بر اقدامات امنیتی بیشتر تأکید می‌کند. تصمیم سوئد مبنی بر درج اعلامیه همبستگی کشورهای نوردیک در دکترین امنیتی‌اش، یکی از چندین نمونه گرایش‌های جدید همگرایی متمایل به کشورهای نوردیک است. دولت سوئد در اعلامیه سالانه مجلس قانون‌گذاری (ریکسدگ) در سال ۲۰۱۲ اظهار کرده که همکاری‌های نوردیک در کنار همکاری با اتحادیه اروپا و سازمان ملل از جمله عرصه‌های مهم در سیاست خارجی سوئد هستند. بر خلاف سالهای دهه ۹۰، نوردیک در سال‌های دهه ۲۰۰۰ به مرکز سیاست خارجی و امنیتی سوئد بازگشته بود. اگر امروزه بخواهیم سه ضلع اصلی سیاست خارجی سوئد را ترسیم کنیم، تمرکز بر همگرایی و همراهی با نوردیک در مرکز این سه ضلعی در کنار همکاری با اتحادیه اروپا و سازمان ملل است. شکل زیر این سه ضلعی را نشان می‌دهد.



شکل ۲- پلت فرمهای سیاست خارجی سوئد

غالب شدن نگرش محیط پیرامونی در اتحادیه اروپا که کشورهای نوردیک را نیز جزء کشورهای پیرامونی اتحادیه اروپا محسوب می‌کرد، باعث گسترش اهمیت همکاری‌های نوردیک بین این کشورها و اهمیت آن در سیاست خارجی سوئد شده است. بعد از ظهور دوره گسترش همکاری‌های دفاعی نوردیک که شامل اعلامیه همستگی بود، مفسران مختلف با انتقاد از این همکاری‌ها، آن‌ها را بیشتر یک گام نمادین دانسته‌اند و اذعان کرده‌اند که برای اعتبار بخشی به همکاری‌های نوردیک کشورهای این منطقه از جمله سوئد باید اقدامات عملیاتی بیشتری انجام دهند. (Sofie Dahl and Jarvenpaa, 2013:145)

این انتقادات در سال ۲۰۱۵ بعد از توافق کشورهای نوردیک برای همکاری‌های بیشتر در مناطق عملیاتی و امنیتی بحرانی دنیا و اروپا به خصوص همکاری سرویس‌های اطلاعاتی، تهدیدات سایبری و تمرینات مشترک نیروی هوایی، کاهش پیدا کرد. (Brommesson, 2018:398) امروزه همکاری‌های دفاعی سوئد و فنلاند نشانه پتانسیل بالای همکاری‌های دفاعی - امنیتی بین کشورهای نوردیک است. این همکاری دو جانبه بسیار فراتر از تشریفات و حرکات نمادین بوده و شامل عناصر عملی فراوانی می‌باشد.

از جمله این همکاری‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آماده سازی برای کارگروه نیروی دریای مشترک سوئد و فنلاند در دریای بالتیک (برنامه ریزی و طراحی برای رسیدن به ظرفیت کامل عملیاتی در سال ۲۰۲۳)، استفاده از پایگاه‌های دریایی یکدیگر، تمرینات ضد زیردریایی مشترک بین نروژ، سوئد و ایسلند، افزایش قابلیت همکاری بین نیروهای هوایی به منظور آماده سازی برای عملیات مشترک، استفاده از پایگاه‌های نیروی هوایی یکدیگر، کنترل مبارزات مشترک و توسعه ایده مفهومی برای تشکیل و استقرار یک تیپ مشترک نظامی در عملیات‌های منطقه ای و بین‌المللی. (Szymanski, 2019: 3-7) این تیپ مشترک امروزه در سوئد و فنلاند تشکیل شده و آماده عملیتهای مختلف برای توسعه منافع دو کشور می‌باشد. بنابراین ما شاهد تدابیر عملیاتی سطح بالا هستیم که چند کشور غیر متحد را از لحاظ عملیاتی و نظامی بهم نزدیک کرده و آنها ملزم شده‌اند، در زمانی که هر یک از طرفین با چالش‌های امنیتی جدید و متعددی روبرو می‌شوند از یکدیگر حمایت کنند. امروزه سطح همکاری‌های فنلاند و سوئد به درجه بالایی از همگرایی رسیده است. ماهیت استثنایی نقش همکاری‌های دو طرفه سوئد و فنلاند در بیانیه‌های رسمی این کشورها منعکس شده است. دولت سوئد در اعلامیه‌های سیاست خارجی‌اش در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ اظهار کرده است که:

«سیاست امنیتی سوئد کاملاً باثبات است. عدم مشارکت ما در اتحادیه‌های نظامی به صلح، امنیت و ثبات در شمال اروپا کمک می‌کند. این مسئله، به یک سیاست خارجی و امنیتی فعال، گسترده و مسئولانه همراه با افزایش همکاری‌های دفاعی گسترده در منطقه نوردیک به‌ویژه با کشور فنلاند و افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های دفاع ملی نیاز دارد.» (Swedish government, 2017, 2018) همانطور که مشاهده می‌شود، در اینجا همکاری‌های فنلاند و سوئد در درجه اول به‌عنوان یک موضوع امنیتی مطرح می‌شود، نه یک ابتکار عمل سیاست خارجی. در اعلامیه ۲۰۱۸ موقعی که در رابطه با همکاری‌های نوردیک بحث می‌شود، نوردیک گرایی (همکاری‌های شمالی) در چارچوب اتحادیه اروپا قرار می‌گیرد و همکاری‌های نوردیک به مانند دیگر همکاری‌های منطقه ای و بین‌المللی در قالب و اشکال متشابه بحث می‌شود. «سیاست خارجی و امنیتی سوئد مبتنی بر انسجام در اتحادیه اروپا و افزایش همکاری در یک جبهه وسیع از جمله در

منطقه نوردیک و منطقه دریای بالتیک، در سازمان ملل و سازمان امنیت و همکاری اروپا، همکاری با ناتو از طریق ایجاد پیوندی مستحکم به منظور همکاری بین منطقه‌ای آتلانتیکی است.» (Swedish government, 2018)

این بیانیه دوم نشان‌دهنده اهمیت نوردیک در سیاست خارجی سوئد در کنار دیگر عرصه‌ها هست. یعنی هم ترازای این منطقه با حوزه‌های دیگر همکاری در سیاست خارجی سوئد. این بیانیه نشان‌دهنده اهمیت حوزه امنیتی و الویت آن در سیاست خارجی سوئد است. همکاری‌های امنیتی با فنلاند که در قالب همکاری‌های سیاست امنیتی نوردیک است، الویت اساسی سیاست خارجی سوئد می‌باشد. از طرف دیگر همکاری‌های سوئد و فنلاند را می‌توان به عنوان یک راه سوم جدید در میانه سیاست خارجی بی طرفانه دولت‌های نوردیک و عضویت در ناتو دانست. مزایای این سیاست راه سوم کمک به گسترش ثبات در منطقه شمال اروپا و پیشینه کردن حداکثری امنیت آن، گسترش دفاع پیشگراانه در سیاست امنیتی سوئد در منطقه نوردیک و عدم نگرانی ژئوپلیتیکی روسیه است. (Yden, Berndtsson and Petersson, 2019:5-7) هر چند روسیه خود عامل مهمی در همگرایی و همکاری نزدیک نظامی کشورهای نوردیک به خصوص سوئد و فنلاند برای تشکیل محیط امنیتی جدید در این منطقه است. بر همین اساس گسترش همکاری‌های نوردیک چه از نوع همکاری دو طرفه بین سوئد و فنلاند و چه همکاری تمام کشورهای این منطقه بیانگر گسترش نقش و اهمیت مجدد منطقه نوردیک در سیاست خارجی سوئد است. محرک اصلی این اهمیت، درک نوردیکی بودن و همکاری‌های نوردیک به عنوان راهی برای افزایش ثبات در منطقه در ظرف محیط امنیتی نوردیک از طریق افزایش همزمان ظرفیت‌های نظامی (همکاری‌های نظامی سوئد و فنلاند) و ایجاد تعادل در ساختار امنیتی و سیاست خارجی کشورهای این منطقه است. (Neumann and Gstohl, 2004:17) محتوای سیاسی نوردیک گرایسی مبتنی بر قدرت نظامی معتبر و درک ساختاری از شرایط و خط مشی امنیتی منطقه اروپای شمالی است.

بر همین اساس ادراک نوردیکی بودن و متعاقباً همکاری‌های نوردیک، الهام بخش اتحاد نقش امنیتی جدیدی برای کشورهای این منطقه از جمله سوئد است. این نقش به

طور فزاینده‌ای بر پایه نگرانی‌های واقعی و عملیاتی استوار است و ساختارهای مادی و عملیاتی تأثیر زیادی در ساخت بندی سیاست خارجی سوئد دارند. بر همین مبنا، منطقه نوردیک در چارچوب فضای امنیتی گسترده ای قرار می‌گیرد و این فضا متعاقباً مرزهای سیاسی - فرهنگی آن را تعیین می‌کند. (Røren,2019:564)

این فضای فرهنگی بر مبنای یک تراکم فرهنگی به وجود آمده که امروزه زیاد آشکار نیست. این تراکم فرهنگی بر مبنای احساس تعلق به منطقه نوردیک و ارزش‌های نوردیک (شمالی - اسکاندیناوی) است. هر چند امروزه این ارزش‌ها به مانند گذشته دیگر در مرکز ادراک سیاست خارجی نوردیک محور سوئد قرار ندارند. امروزه سیاست خارجی سوئد و شرکای نوردیک آن از جمله فنلاند، به دنبال امنیت حداکثری از طریق توازن هستند. استراتژی منطقی که معمولاً بخشی از واقع‌گرایی دولت‌های نوردیک در حوزه سیاست بین‌الملل است. (Neumann and Gstohl,2004:16) بر همین مبنا سیاست خارجی سوئد امروزه تغییراتی را نسبت به دوران جنگ سرد و همچنین دهه ۹۰ پشت سر گذاشته است.

بر خلاف نقش فعال این کشور به عنوان یک دولت فراملی و انترناسیونالیست در دوران جنگ سرد و یا ایفای نقش یک قدرت متوسط بین‌المللی پیرو سیاست‌های اتحادیه اروپا در دهه ۹۰، امروزه سیاست خارجی سوئد دچار تحولات استراتژیکی شده است. این تحولات منعکس‌کننده نقش متعادل‌کننده سیاست خارجی سوئد به عنوان دولت متوازن‌کننده منطقه نوردیک است. این به معنای این است که سوئد توانسته است یک توازن استراتژیکی را در ایفای نقش خود به عنوان یک دولت نوردیکی و یک بازیگر اروپایی بین‌المللی ایجاد کند و به تشکیل محیط امنیتی منطقه ای جدیدی در نوردیک کمک کند. محیطی امنیتی که بر خلاف ساختارهای امنیتی دیگر، بحران‌زا و تهدیدکننده مناطق و یا کشورهای دیگر نیست بلکه هدفش بیشینه کردن امنیت کشورهای شمال اروپا (نوردیک) بر پایه همکاری و پیگیری توسعه منطقه ای و همگانی است.

نتیجه‌گیری

همانطور که مشاهده شد، امروزه گسترش نوردیک گرایی در سیاست خارجی کشورهای نوردیک از جمله سوئد، باعث شکل‌گیری محیط امنیتی صلح آمیزی شده است که ساخت بندی سیاست خارجی و امنیتی سوئد را طراحی می‌کند. در بین نخبگان سوئدی این تفاهم وجود دارد که، تراکم فرهنگی و هنجارها و هویت مشترک باعث شکل‌گیری گرایش نوردیک در سیاست خارجی و امنیتی سوئد شده است. امروزه نقش هنجارهای ساختاری در شکل دهی به سیاست خارجی و امنیتی سوئد در منطقه نوردیک بیش از نقش هنجارهای فرهنگی - ارزشی است و این امر باعث تغییر رویه سیاست خارجی سوئد از موقعیت یک بازیگر مستقل به ایفای نقش بر مبنای منطق محاسبات استراتژیک - امنیتی است. تمرکز و هدف اساسی این منطق محاسبه، نوردیک و محیط امنیتی آن و امنیت، رفاه و توسعه کشورهای این منطقه در کنار سوئد است. بر همین اساس بر خلاف گذشته، نوردیک گرایی امروز بیشتر از اینکه با گرایش فراملی گرایی و نقش بی‌طرفانه کشورهای این منطقه از جمله سوئد در ارتباط باشد، با امنیت ملی این کشورها مرتبط است. افزایش سطح تنش در محیط امنیتی اتحادیه اروپا، گرایش نوردیک گرایی و جهت‌گیری سیاست خارجی سوئد به سمت کشورهای نوردیک را افزایش داده است و بر همین اساس نقش نوردیک گرایی بر مبنای یک توازن استراتژیک در سیاست خارجی سوئد و دیگر کشورها پیگیری می‌شود و فضای امنیتی عینی در این جهت‌گیری اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. این مسئله بر عکس گذشته است که نوردیک گرایی بر مبنای هویت‌ها و هنجارهای فرهنگی - ارزشی مشترک در سیاست خارجی - داخلی این کشورها پیگیری می‌شد. درک نوردیک گرایی در سیاست خارجی سوئد و دیگر کشورهای این منطقه نه تنها به‌عنوان یک منبع همکاری‌های بین‌المللی بلکه به‌عنوان منبع همکاری توسعه محور نیز بیان می‌شود. محور اساسی ایده نوردیک برای کشورهای منطقه در سیاست خارجی اشان همکاری و دست یابی به منفعت عینی از تشریک مساعی مشترک است. کشورهای شمال اروپا به‌عنوان کارآفرینان خلاق و ملت‌های کم و بیش آرمانگرا در سیاست جهانی شناخته شده‌اند. کشورهایی که خلاقیت و نوآوری بخشی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی آن‌ها هستند. بر مبنای این منطق، نوردیک

گرایی در سیاست خارجی سوئد و دیگر کشورها محیط امنیتی را ایجاد کرده است که به پیشینه کردن گسترده امنیت ملی این کشورها که در فرآیندی تعاملی به دست آمده است، کمک می‌کند. محور این محیط امنیتی جدید در درون اتحادیه اروپا مبتنی بر منطق توسعه همگانی و حمایت و حفاظت از ارزش‌ها و منافع کشورهای نوردیک است. جغرافیا و فرهنگ مشترک باعث ایجاد هویت مشترکی در بین کشورهای نوردیک شده است و این هویت مشترک از طریق پیگیری اهداف مشترک بین‌المللی در اتحادیه اروپا و نظام بین‌الملل منجر به ساخت بندی محیط امنیتی جدیدی شده است که محور آن حمایت و حفاظت از حقوق و منافع کشورهای این حوزه است. نوردیک گرایی سیاست خارجی سوئد، اهداف و منافع کشورهای مختلف این منطقه را همگرا کرده و این همگرایی باعث ایجاد بافتاری امنیتی در منطقه نوردیک شده است. نوردیک گرایی تضادی با منافع اتحادیه اروپا ندارد و در درون این اتحادیه اهداف گسترده کشورهای نوردیک را پیگیری می‌کند. بر همین اساس سوئد سعی کرده تا از طریق پیگیری سیاست‌های نرم افزاری، حتی الامکان تضادی بین جهت‌گیری سیاسی و امنیتی نوردیک و اتحادیه اروپا بوجود نیاید. همگرایی و توسعه، اساس سیاست خارجی نوردیک محور سوئد در دوران جدید است. بر همین مبنا آینده رشد یا گسترش گرایش‌های نوردیک در سیاست خارجی سوئد و کشورهای منطقه بر پیگیری اهداف بین‌المللی کشورهای این حوزه بر محور توسعه و بی طرفی منطقه ای استوار خواهد بود.

منابع

- بیدالله خانی، آرش (۱۳۹۶)، «شورای نوردیک و سیاست‌گذاری ساخت تصویر ملی و برندینگ بین‌المللی؛ دریچه خوشبختی به جهان معاصر»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۹۱-۷۵.
- بیدالله خانی، آرش، کهرازه، یاسر (۱۳۹۷)، «شورای نوردیک؛ مبانی منطقه‌گرایی توسعه محور اجتماعی بر مبنای ادراک و تصویر سازی مثبت جهانی»، **فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال دهم، شماره چهارم، صص ۹۵-۷۹.

تانگ، شینگ (۱۳۸۴)، «نظریه نظام واره محیط امنیتی»، ترجمه بهناز اسدی، تهران: فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره پاییز، صص ۲۰۲-۱۶۷.

حسن پور، جعفر و شاه محمدی، محمد (۱۳۹۵)، «شرایط رویکردهای آینده نگارانه در ترسیم محیط امنیتی»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال پانزدهم، شماره ۵۴، صص ۹۸-۶۷.

عصاریان‌نژاد، حسین و نادى، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۴۰، صص ۱۷۸-۱۵۳.

فینی‌زاده بیدگلی، جعفر (۱۳۹۶)، «ارائه الگوی ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار»، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، صص ۱۱۹-۸۷.

کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰)، «تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۳۴.

Aggestam, L. and Hyde-Price, A., (2015), **A force for good? Paradoxes of Swedish military activism**. In: J. Pierre, ed. *The Oxford Handbook of Swedish politics*. Oxford: Oxford University Press, 479-494.

Af Ugglas, M. (1991). **Address in the Swedish parliament**, 17 October, Brommesson, Douglas (2018), **'Nordicness' in Swedish foreign policy, from mid-power internationalism to small state balancing?** *Global Affairs*, 4:4-5, 391-404

Brommesson, D. (2015), **The Europeanization of Swedish foreign policy and beyond: On multiple roles in Swedish post-cold war foreign policy**. In J. Pierre (Ed.), *The Oxford handbook of Swedish politics* (pp: 529-543). Oxford: Oxford University Press

Brysk, A. (2009), **Global good samaritans: Human rights as foreign policy**. Oxford: Oxford University Press.

Carlsnaes, W. (2005), **Transatlantic Relations, European Security and Swedish Foreign Policy: What Kind of Wine in What Kind of Bottles?** *Security Dialogue*, 36(3), 402-406.

Czarny,Ryszard (2018), **Sweden: From Neutrality to International Solidarity**, Berlin: Springer

Edstrom, H. (2011), **Sweden and NATO partnership in the shadow of coalitions and concepts**. In: H. Edström, J.H. Matlárý and M. Petersson *NATO: the power of partnerships*. Basingstoke: Palgrave Macmillan, pp:131-162

Götz, Norbert (2003), **Norden: Structures That Do Not Make a Region**. *European Review of History: Revue Européenne d'Histoire*. 10 (2): 323-341.

- Hamilton, Daniel., Simonyi, András and Cagan, Debra (2014), **Advancing U.S.-Nordic-Baltic Security Cooperation: Adapting Partnership to a New Security Environment**, Massachusetts:Center for Transatlantic Relations SAIS
- Hedling, E. & Brommesson, D. (2017), **Security through European integration or flexible autonomy: Ambivalence in Sweden's position on the eastern partnership?** *Global Affairs* 3(3), 237-250.
- Hilson, Mary (2008), **The Nordic Model: Scandinavia since 1945**, London: Reaktion books
- Ingebritsen, C. (2002), **Norm entrepreneurs: Scandinavia's role in world politics**. *Cooperation and Conflict* 37(1): 11-23.
- Lawler, P. (1997), **Scandinavian exceptionalism and European union**. *Journal of Common Market Studies* 35(4), 565-594
- Möller, U., & Bjereld, U. (2015), **Swedish foreign policy: The policy of neutrality and beyond**. In J. Pierre (Ed.) *The Oxford Handbook of Swedish politics*. Oxford: Oxford University Press.
- Neumann, I. B., & Gstöhl, S. (2004), **Lilliputians in gulliver's world? Small states in international relations**, Centre for small state studies, Institute of International Affairs, University of Iceland, Working paper.pp:1-26
- Ojanen, H. (2005), **Finland: rediscovering its Nordic neighbours after an EU honeymoon?** *Security Dialogue* 36(3): 418-422
- Quille, Gerrard (2006), **The impact of EU capability targets and operational demands on defence concepts and planning: the case of Sweden**, in Alyson Bailes, Gunilla Herolf, and Bengt Sundelius (Ed) *The Nordic Countries and the European Security and Defense Policy*,pp:141-150. Oxford: Oxford University Press.
- Rieker, P. (2004), **Europeanization of Nordic security: The European union and the changing security identities of the Nordic states**. *Cooperation and Conflict* 39(4): 369-392.
- Røren, P. (2019), **Status seeking in the friendly Nordic neighborhood**. *Cooperation and Conflict*, 54(4), 562-579.
- Schouenborg, L. (2013), **The Scandinavian international society**, London: Routledge.
- Sofie Dahl, Ann and Pauli Jarvenpaa (2013), **Northern Security and Global Politics: Nordic-Baltic strategic influence in a post-unipolar world**, London: Routledge
- Strang, Johan (2015), **Nordic cooperation: a European region in transition**, New York: Routledge.
- Stoltenberg, T. (2009), **Nordic cooperation on foreign and security policy proposals**, presented to the extraordinary meeting of Nordic foreign ministers in Oslo on 9 February 2009.
- Swedish government (2011), **Statement of Government Policy in the Parliamentary Debate on Foreign Affairs**, 16 February 2011.
- Swedish government (2015), **Statement of government policy in the parliamentary debate on foreign affairs**, 11 February 2015, Retrieved

- from <http://www.regeringen.se/informationsmaterial/2015/02/utrikesdeklarationen-2015/>
- Swedish government (2017), **Statement of government policy in the parliamentary debate on foreign affairs**, 15 February 2017, retrieved from <http://www.regeringen.se/49192d/contentassets/b7cf8b05ddad4781883354c1c9bb2481/utrikesdeklarationen-2017-engelska.pdf>
- Swedish government (2018), **Statement of government policy in the parliamentary debate on foreign affairs**, 14 February 2018. Retrieved from <http://www.regeringen.se/49170e/contentassets/bf6301faf78d475ca01a8f432e0bfb15/utrikesdeklarationen-2018-engelska>
- Szymanski, Piotr (2019), **The northern tandem. The Swedish-Finnish defence cooperation**, OSW Commentary, No.298, pp: 1-7
- Tägil, Sven (1995), **Ethnicity and Nation Building in the Nordic World**, London: Hurst
- Tiilikainen, Teija (1998), **A Nordic Identity in European Security: Does It Exist?** Irish Studies in International Affairs, Vol. 9, pp. 51-54
- Von Sydow, Björn (2018), **Resilience: Planning for Sweden's "Total Defence"**, in NATO review on 04 April, available link at: <https://www.nato.int/docu/review/articles/2018/04/04/resilience-planning-for-swedens-total-defence/index.html>
- Ydén, Karl, Berndtsson, Joakim and Petersson, Magnus (2019), **Sweden and the issue of NATO membership: exploring a public opinion paradox**, Journal Defence Studies, Vol.19, 2019 - NO.1, pp11-18